بسم الله الرحمن الرحیم

مفهوم رجعت در روایات

منیره برگشایی*

چکیده

یکی از عقاید شیعیان، رجعت بعضی از مردگان به این دنیا در دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همان‌گونه که در روایات اهل بیت علیهم السلام به دعا برای تعجیل در فرج امر شده، بسیاری از ادعیه و روایات به شیعه می‌آموزد که از خدا بخواهد در زمره رجعت‌کنندگان قرار گیرد؛ چنان که در دعای عهد، هر صبح مؤمنان با تضرّع از خدا می‌خواهند حتّی اگر قبل از ظهور از دنیا رفتند، رجعت کنند تا در رکاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند. بنابراین بسیار مهم است که مؤمن خصوصیات آن دوران را بشناسد و مفهوم رجعت در روایات اهل بیت علیهم السلام را بررسی کند. بهترین روش برای شناخت مفهوم رجعت، نقلی وحیانی است، چون فقط اهل بیت علیهم السلام متّصل به علم الهی و آگاه به اتّفاقات آینده هستند. مفهوم رجعت در بعضی روایات به شئون اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کند و آن را جزء معجزات معصومین علیهم السلام بیان می‌کند. از جمله این مفاهیم، زنده کردن مردگان به دعای امام، رسیدگی به پرونده اعمال توسط ایشان و استقرار دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام است. طبق روایات دیگر، رجعت به مثابه نوعی زندگی برزخی، معادی پیش از برپایی قیامت کبری و محل عروج شیعیان است. برخی دیگر از روایات هم، رجعت را یک مفهوم تقیه‌ای برای شیعه معرفی می‌کند.

کلمات کلیدی: رجعت، مفهوم رجعت، تناسخ.

---

* طلبه سطح دو، حوزه علمیه کوثر قزوین.

مقدمه

رجعت به معنای زنده شدن بعضی مردگان مقارن با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اعتقاد به رجعت جزء ضروریات دین شمرده شده و منکر آن طبق روایات اهل بیت علیهم السلام از دایره ایمان بیرون است. متأسفانه در طول تاریخ اسلام، مفهوم رجعت دستخوش تغییرات زیادی شده است به طوری که امروز همه فرقه‌ها به جز شیعه دوازده امامی، رجعت را مساوی با تناسخ می‌داند. آن‌ها، شیعیان را به خاطر همین سوءبرداشت کافر می‌دانند. بنابراین یک شیعه باید مسأله رجعت را از جهات گوناگون بررسی کند تا بتواند از عقیده خود دفاع کرده و به شبهات پاسخ دهد. علاوه بر این، بسیار مهم است که مفهوم رجعت به طور کامل در روایات اهل بیت علیهم السلام مورد مطالعه قرار گیرد تا شناخت درستی به دست آید. در زمان اهل بیت علیهم السلام، اصحاب سؤالات مختلفی راجع به رجعت از امام می‌پرسیدند تا کسب معرفت کنند. در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم علمای بزرگی مثل شیخ صدوق و شیخ مفید در کتاب‌های خود و در ذیل بحث مهدویت به این موضوع پرداخته‌اند. اوّلین کسی که به طور مستقل کتاب کامل و جامعی راجع به رجعت نوشته، شیخ حرّ عاملی است. ایشان در کتاب الایقاظ من الهجعه به طور کامل آیات و روایات معتبر را بررسی کرده‌اند. از آثار معاصر می‌توان به کتاب عصر شکوهمند رجعت و بررسی مسأله رجعت اشاره کرد. این مقاله به روش نقلی وحیانی جمع‌آوری شده است.

الف. علل کم پرداخته شدن به مسأله رجعت

۱- شیعه در طول تاریخ، همیشه در اقلیت بوده است و علماء، اکثر اوقات از نظر اعتقادی با مخالفان درگیری داشته‌اند. بنابراین ابتدا باید به اثبات حقّانیت مذهب تشیّع می‌پرداختند و سپس به مسائل دیگر رسیدگی می‌کردند.

البته ناگفته نماند که اعتقاد به رجعت، طبق روایات اهل بیت علیهم السلام از ضروریات است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «**من أقر بسبعة أشياء فهو مؤمن: البراءة من الجبت و الطاغوت و الاقرار بالولاية و الايمان بالرجعة و الاستحلال للمتعة و تحريم الجري و المسح على الخفين**».[1]

در این روایت، اقرار به رجعت از نشانه‌های شخص باایمان شمرده شده است و عدم اعتقاد به رجعت، انسان را از دایرهٔ ایمان بیرون می‌کند؛ ولی برای بزرگان دین همیشه اثبات عقاید اساسی مثل خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در اولویت قرار داشته است. به همین جهت است که بسیاری از تألیفات مهمّ علماء در طول تاریخ تشیّع به مسأله امامت پرداخته است.

۲- اساساً چون رجعت موضوع پیچیده‌ای است، تحقیق در مورد آن هم بسیار دشوار است. جمهور علمای شیعه بر عقیده رجعت اتّفاق نظر دارند و اقرار به آن را ضروری می‌دانند، ولی در مسائل جزئی با هم اختلاف نظر دارند. شیخ مفید هم در یکی از تألیفات خود به این موضوع اشاره می‌کند:

«**اتّفقت الإمامية على وجوب رجعة كثير من الأموات إلى الدّنيا قبل يوم القيامة و إن كان بينهم فى معنى الرجعة اختلاف.**»[2]

این اختلاف نظر به دلیل پیچیدگی بحث رجعت است.

۳- در زمان‌های قدیم، دسترسی به روایات اهل بیت علیهم السلام بسیار سخت بوده است. علماء باید به شهرهای مختلف سفر می‌کردند تا به یک کتاب روایی موثّق برسند و ممکن بود در آن کتاب، کمتر از پنج حدیث در مورد رجعت وجود داشته باشد. البته امروزه با ابزارهایی که در دسترس ما است، این مشکل برطرف شده است.

۴- مسأله رجعت همیشه با دستگاه‌های ظلم و جوری که حکومت می‌کردند، مخالف بوده است؛ چون اعتقاد به رجعت به این معنا است که روزی می‌رسد که تمام حکومت‌های ظالم از بین

---

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۶۶۰؛ نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۴، ص ۴۴۴.
۲. شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۱۲.

می‌روند و حکومت حقّ اهل بیت علیهم السلام برپا می‌شود. بنابراین حتّی خود معصومین علیهم السلام هم در بیان روایات رجعت، تقیّه می‌کردند.

۵- مسأله رجعت همیشه توسط غیرشیعه، بد برداشت شده است. ان‌شاءالله در ادامهٔ مقاله به این موضوع پرداخته خواهد شد.

ب. مفهوم رجعت از نگاه غیرشیعه

در طول تاریخ بسیاری از فرقه‌ها، رجعت را مساوی با تناسخ گرفته‌اند و به همین دلیل شیعیان را که معتقد به رجعت هستند را کافر دانستند. در این جا ابتدا باید معنای تناسخ مشخص شود، سپس به تفاوت‌های آن با رجعت پرداخته شود.

تناسخ این است که انسان بار دیگر از طریق نطفه و عقله و ... به این جهان برگردد تا نتیجه اعمال خود را ببیند. اصلاً نظریه تناسخ بر اساس انکار قیامت است و پیروان این عقیده، پاداش و کیفر اعمال و رفتار هر شخص را منحصر به همین دنیا می‌دانند. خلاصه این عقیده، این است که روح هر انسانی پس از مرگ بار دیگر به دنیا بازمی‌گردد؛ اگر در روزگار گذشته به کارهای خوب پرداخته است، دوران بعدی را با شادی و خوشی سپری می‌کند و اگر مرتکب اعمال زشت شده، گرفتار حزن و اندوه می‌شود.

قائلان به تناسخ به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

۱- نسوخیه که معتقدند روح انسان پس از مرگ به بدن انسان دیگری وارد می‌شود. اگر انسان مرده انسان خوبی باشد، روحش به بدن یکی از انسان‌های خوب تعلّق می‌گیرد و اگر بد بوده باشد، به بدن یکی از بَدان وارد می‌شود.

۲- مسوخیه که معتقدند روح انسان بد پس از مرگ به حیوانات خبیث مانند گرگ وارد می‌شود و روح انسان‌های خوب به حیوانات خوب مثل آهو تعلّق می‌گیرد.

۳- رسوخیه می‌گویند روح انسان خوب پس از مرگ در جمادات مفید مانند معادن گران‌بها حلول می‌کند و روح انسان بد در جمادات پست و بی‌ارزش وارد می‌شود.

۴- فسوخیه ادّعا می‌کنند روح انسان‌های خوب پس از مرگ به گیاهان مفیدی مانند گل‌ها تعلّق می‌گیرد و روح انسان‌های بد به گیاهان مضرّ وارد می‌شود.

الان که معنای تناسخ مشخص شد، به تفاوت‌های آن با رجعت می‌پردازیم:

۱- در رجعت یک بدن وجود دارد و روح شخص هنگام زنده شدن به همان بدن برمی‌گردد، ولی در تناسخ تعدّد بدن مطرح است.

۲- رجعت تأیید بر معاد است، امّا معتقدین به تناسخ اصلاً بحث معاد را قبول ندارند.

۳- رجعت شامل گروهی خاص که مؤمنان محض و کافران محض هستند می‌شود، امّا تناسخ همگانی است.

۴- رجعت در زمانی خاص که همان عصر ظهور است صورت می‌گیرد، ولی تناسخ زمان خاصی ندارد.

۵- در رجعت زنده شدن مانند قیامت است، یعنی انسان‌ها به صورت بالغ و کامل زنده می‌شوند؛ ولی در تناسخ، بازگشت به صورت تولد جدید صورت می‌گیرد.[۱]

در این قسمت به نظر اهل بیت علیهم السلام دربارهٔ معتقدین به تناسخ می‌پردازیم.

روزی مأمون در مورد قائلان به تناسخ از امام رضا علیه السلام سؤال پرسید. فقال الرضا علیه السلام:

«**من قال بالتناسخ فهو کافر بالله العظیم یکذب بالجنة و النّار**؛ هر کس به تناسخ معتقد باشد به خداوند بزرگ کفر ورزیده و بهشت و جهنّم را تکذیب کرده است.»[۲]

در این روایت، امام رضا علیه السلام معتقدین به تناسخ را صراحتاً کافر نامیده است. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که ایشان فرموده‌اند:

---

۱. محسنی دایکندی، رجوع شود به کتاب رجعت در عصر ظهور، صفحات ۲۶۲ تا ۲۶۸.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۳۶؛ ابن بابویه (صدوق)، عیون اخبار الرّضا، ج ۲، ص ۷۳۰.

که وجود مقدّس آقا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم صدها هزار درهم خرج می‌کردند تا بین مردم الفت برقرار کنند و شما هم باید با زبانتان، این کار را انجام دهید. از این روایت می‌توانیم این‌طور برداشت کنیم که شیعه در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که زمان تقیّه است، هیچ وقت نباید با زبانش مطلبی را بیان کند که دشمن را تحریک کرده و جان و مال و آبروی مؤمنین را به خطر بیندازد. در بحار الانوار هم یک داستانی آورده شده که به همین نکته اشاره دارد.

داستان از این قرار است که روزی سید حمیری و یک قاضی در مجلس منصور نشسته بودند. سید، قصیده‌ای در وصف منصور می‌خواند و منصور هم بسیار خوشحال بود. قاضی رو به منصور می‌کند و می‌گوید که به خدا قسم این سید چیزی را می‌گوید که در قلبش به آن اعتقاد ندارد؛ او اعتقاد به رجعت دارد و شیخین را سبّ می‌کند:

«انَّهُ یقولُ بالرِّجعَة و یَتَناوَلُ الشیخینِ بالسَّبَّ و الوَقیعةِ فیهما.»

سید حمیری در جواب می‌گوید که عقیده من به رجعت از آیات قرآن سرچشمه می‌گیرد. خداوند در قرآن یک بار می‌فرماید که ما از هر امّتی گروهی را زنده می‌کنیم:

«وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِن کُلِّ أُمَّةٍ فَوْجاً مِّمَّن یُکَذِّبُ بِآیَاتِنَا فَهُمْ یوزَعُونَ.»[1]

و در جای دیگر می‌فرماید: ما همه انسان‌ها را محشور می‌کنیم و هیچ کسی را باقی نمی‌گذاریم:

«وَ حَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَداً.»[2]

پس من متوجّه شدم که ما دو حشر داریم: یکی از حشرها خاص و دیگری عام است.[3]

این روایت نشان می‌دهد که حتّی دشمنان هم می‌دانستند که شیعیان این دو موضوع را تقیّه می‌کنند.

---

۱. سوره نمل، آیه ۸۳.

۲. سوره کهف، آیه ۴۷.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۲.

ح. رجعت، معراج شیعیان

معراج در لغت، گاهی به معنای ابزار بالا رفتن است و به نردبان، راه‌پله یا جایی که شخص از آن بالا رود، گفته می‌شود[1] و گاهی به عنوان اسم زمان و اسم مکان هم به کار می‌رود.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

«اذا قامَ قائمُنا وَضَعَ الله یده عَلی رؤوس العباد فَجَمَعَ بها عُقُولُهُم و کَمَلَت به اَحلامُهُم.»[2]

در روایات آمده است که بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایشان دست بر سر بندگان می‌کشند و عقل‌های مردم کامل می‌شوند. پس می‌توان گفت که عصر ظهور هم یک وسیله و هم مکان و زمان برای تکامل بشریت است.

کسانی هم که قبل از ظهور از دنیا رفته‌اند، وقتی در رجعت به دنیا بازمی‌گردند، شامل این لطف حجّت الله می‌شوند و عقولشان کامل می‌گردد. بنابراین رجعت، نردبانی است که انسان‌ها را به کمال عقلانی می‌رساند و معراج شیعیان است.

ط. معادی دیگر

رجعت در کلام اهل بیت علیهم السلام به عنوان معادی دیگر ذکر شده است. معاد در لغت هم به معنای مکان برگشت و هم زمان برگشتن آمده است؛ البته گاهی هم به صورت مصدر به کار برده می‌شود. این کلمه در اصطلاح به روز قیامت که هم مکان و هم زمان زنده شدن انسان‌ها است، گفته می‌شود. از روایت اهل بیت علیهم السلام متوجّه می‌شویم که ما دو معاد داریم: یکی عام و دیگری خاص.

در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیاری از مردگان به دنیا برمی‌گردند. در روایتی از محمّد بن سالم از امام باقر علیه السلام آمده است که ایشان در حال تفسیر آیهٔ یازدهم سوره غافر بودند:

---

۱. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۶، حدیث ۲۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸؛ حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۸۵.

«رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِن سَبِيلٍ. **قال علیه السلام: هُوَ خاص لِأَقوام فی الرَّجعة بَعدَ الموت و یَجری فی القیامَةِ**[1]؛ امام علیه السلام فرمود که این سخن که بعضی انسان‌ها در روز قیامت می‌گویند: خداوندا ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی، مخصوص بعضی از اقوامی است که بعد از مرگشان در رجعت زنده شده‌اند.»

علامه مجلسی در این مورد توضیح می‌دهند که یکی از زنده شدن‌ها در رجعت و دیگری در قیامت است و یکی از مردن‌ها در دنیا است و دیگری در رجعت.[2]

شبیه همین روایت هم در تفسیر قمی از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام آمده است:

«**رَبَّنا اَمَتَّنا اثنتین ... قال الصادق علیه السلام: ذلک فی الرَّجعة.**»[3]

بنابراین رجعت، معادی است که زمان و مکان آن قبل از قیامت است.

نتیجه

رجعت یکی از اتّفاقات مهم و عجیب زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که مفهوم آن در طول تاریخ عوض شده است. غیرشیعه، رجعت را مساوی با تناسخ گرفته، در صورتی که از نظر شیعه دوازده امامی، رجعت مردگان در زمان ظهور همانند زنده شدن انسان‌ها در قیامت است. در تناسخ، روح به بدن دیگری انتقال پیدا می‌کند، ولی در رجعت، روح به بدن اوّلیه بازمی‌گردد.

در روایات اهل بیت علیهم السلام مفاهیم متعدّدی برای رجعت ذکر شده است:

۱- یک میعاد برای حساب و کتاب است؛ البته این حسابرسی اعمال به صورت اجمالی و توسط معصومین علیهم السلام صورت می‌گیرد.

۲- زنده کردن مردگان به امر امام معصوم و به اذن خدا انجام می‌شود و رجعت معجزهٔ حجّت الله است.

---

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۷.
۲. همان، ج ۵۳، ص ۱۱۶.
۳. درایتی، مختصر تفسیر القمی، ص ۴۵۷.

۳- استقرار دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام رجعت نامیده شده است.

۴- محل عروج و کامل شدن شیعیانی است که به دنیا بازمی‌گردند.

۵- معادی خاص که قبل از برپایی قیامت است و مؤمن محض و کافر محض به این دنیا بازمی‌گردند.

۶- یک نوع زندگی برزخی که زمان آن بین دنیا و قیامت است.

۷- امام علیه السلام همیشه رجعت را یک مفهوم تقیّه‌ای عنوان می‌کردند.

منابع

* **قرآن کریم**.

منابع فارسی

۱. پهلوان، منصور، **متن و ترجمه کمال الدین و تمام النعمه**، قم: مسجد مقدّس جمکران، چاپ ششم، ۱۳۸۸ هـ ش.

۲. حرّ عاملی، محمّد، **رجعت ترجمه الایقاظ من الهجعه**، ترجمه واحد پژوهش مؤسسه موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم: انتشارات موعود عصر، بی‌تا.

۳. حکیمی، محمّد، **عصر زندگی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹هـ‌ش.

٤. زکی‌زاده رنانی، علیرضا، **ترجمه مختصر البصائر**، قم: انتشارات زائر، چاپ اوّل، ۱۳۹۱هـ‌ش.

٥. مجلسی، محمّدباقر، **ترجمه بحار الانوار**، ج ۲۵، ۳۱، ۵۲، ۵۳ و ۹۷، گروه مترجمان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، تهران: مؤسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲ هـ ش.

٦. ـــــــــــــــ **حق الیقین**، قم: انتشارات سرور، چاپ پنجم، ۱۳۹۳ هـ ش.

۷. محسنی دایکندی، محمّدعظیم، **رجعت در عصر ظهور**، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، ۱۳۸۹ هـ ش.

منابع عربی

۸. ابن بابویه، محمّد، **عیون اخبار الرضا** علیه السلام، قم: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ هـ ش.

۹. ـــــــــــــــ **کمال الدین و تمام النعمه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ هـ ش.

۱۰. حرّ عاملی، محمّد، **الایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه**، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

۱۱. حلّی، حسن بن سلیمان، **مختصر البصائر**، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اوّل، ۱۴۲۱هـق.

۱۲. درایتی، محمّدحسین، **مختصر تفسیر القمی**، بی‌جا: مؤسسه دار الحدیث، ۱۴۳۴ هـ ق.

۱۳. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، قم: دار الاسوه، چاپ سوم، ۱۴۲۵ هـ ق.

۱٤. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم: دار الکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ هـ ق.

۱۵. کلینی، محمّد بن یعقوب، **الکافی**، ج اوّل، قم: مؤسسه دار الحدیث العلمیه و الثقافیه، چاپ دوم، ۱۴۳۰ هـ ق.

۱٦. مجلسی، محمّدباقر، **بحار الانوار**، ج ۲۵، ۳۱، ۵۲، ۵۳ و ۹۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ ق.

۱۷. مفید، محمّد، **اوائل المقالات**، قم: بی‌نا، ۱۴۱۳ هـ ق.

۱۸. نمازی شاهرودی، علی، **مستدرک سفینه البحار**، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ هـ ق.